

مقدمه

هنر مدرن بیش از هفتاد سال است که بر فرهنگ و هنر ایران تاثیر گذاشته و هنرمندان خلاق ایرانی را به تحول و داشته است. از جمله شاخه‌های هنر مدرن، جنبش سوررئالیسم است. که در آثار هنرمندان ایرانی اثرات قابل توجهی گذاشته است. سوررئالیسم (فراواقعیت‌گرایی) مکتبی سازمان یافته بود که ماهیتی انقلابی، شورشی و بدعت گذار داشته است. سوررئالیسم سبکی است فراتر از واقعیت که تخیل مهمترین عنصر آن می باشد. بنا بر گفته "آندره برتون"¹ نماینده پیشکسوت این جنبش نشانه‌های سوررئالیسم به گذشته‌های دور باز می‌گردد. ولی شاید بتوان گفت که رونمایی و درخشش این جنبش در قرن بیستم بوده است که آغاز خود را در ادبیات و سپس در هنرهای تجسمی و تصویری و... اعلام نموده است. شاید بتوان گفت که سوررئالیسم تنها مکتبی بوده که بیشترین تاثیر خود را در دهه های 1330 تا 1350 هجری شمسی، بر آثار هنرمندان ایرانی گذاشته است. آنچه در این پژوهش اهمیت دارد، بررسی کیفیت این اثرگذاری سوررئالیسم غرب بر هنرمندان تجسمی در زمینه‌های گرافیک، عکاسی و... در آثار هنرمندانی چون "علی اکبر صادقی، مرتضی ممیز، فرشید مثقالی" (و البته برخی هنرمندان نوگرای دیگر) است. مطالعه و شناخت جریان نوگرایی و تحولات پس از آن و اثراتی که برخی از جنبش‌های مدرن از جمله سوررئالیسم بر هنرمندان هنرهای تجسمی گذاشته است، همگی نگارنده را بر آن داشت تا چگونگی و کیفیت اثرگذاری آن بر آثار هنرمندان نوگرای گرافیک و عکاسی را مورد مطالعه قرار دهد. اگر چه ممکن است در هنرگرافیک و عکاسی هنرمندان کمتری نسبت به هنر نقاشی در زمینه سوررئالیسم فعالیت داشته اند، ولی در بررسی بعضی از آثار این هنرمندان (گرافیک و نقاشی) تاثیرپذیری سوررئالیسم به خوبی مشهود است.

پیشینه پژوهش

منابع موجود در پایگاه‌های علمی و کتابخانه‌های تخصصی نشان می‌دهد که مطالعات جالبی در خصوص گرایش به سوررئالیسم در شرق به ویژه در ایران کم و بیش به چشم می خورد که عمق این نگاه را تقویت می‌کند. از جمله آن منابع می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد.

- راضیه کشوری کامران (1393) در مقاله «نقدی بر روند شکل گیری نقاشی نوگرا در هنر معاصر ایران» در این مقاله روند شکل‌گیری مدرنیسم در ایران و تاثیر آن از غرب بخصوص در نقاشی و اشاره‌ای هم به سبک سوررئالیسم شده که مورد بررسی قرار گرفته است. اما صرفا به هنر گرافیک و عکاسی اشاره‌ای نشده است.

¹ Andre Breton

- بهاره شعبانی (1393) در پایان‌نامه «بررسی تاثیر مفاهیم فرا واقع‌نمایی در طراحی گرافیک 1920 تا 1980» در این پایان‌نامه به بررسی مفاهیم فراواقع‌نمایی در بیان مفاهیم گرافیکی صورت گرفته است. و پوستره‌های دهه 1950 تا 1980 میلادی که با رویکرد سوررئالیسم بوده مورد مطالعه قرار گرفته است. اما صرفاً اشاره‌ای به عکاسی و تاثیر در گرافیک ایران نداشته است.

- منوچهر رخشان (1392) در پایان‌نامه «بررسی نگاه سوررئالیسم یا فراواقع‌گرایانه در آثار تصویرگران ایرانی (از سال 1340 تا امروز) در این پایان‌نامه مروری بر پیشینه هنر مدرن ایران و نقاشی نوگرا معاصر ایران که تحت تاثیر سوررئالیسم اروپا شکل گرفته است و تاثیر سوررئالیسم بر ادبیات، نقاشی، و در نهایت تصویرسازی در ایران بوده است. و به طور مستقیم اشاره خاصی به هنر گرافیک نداشته به خصوص عکاسی.

- رضا انصاری (1391) در پایان‌نامه «تاثیر شی یافت شده» در سوررئالیسم و بازنمایی خیال در عکاسی، در این پایان‌نامه تاثیر سوررئالیسم در هنر عکاسی بررسی شده و پژوهشگر عکاسی را به عنوان یک رساله سوررئالیستی مورد مطالعه قرار داده است. اما اشاره‌ای به گرافیک نداشته است.

- صبرینه توپچی (1388) در پایان‌نامه «بازخوانی رویکرد گرایش سوررئالیسم در نقاشی نوگرای ایران» در این پایان‌نامه به بازخوانی بخشی از نقاشی نوگرای ایران می‌پردازد که بر پیشینه نقاشی نو در ایران و تاثیر آن از سوررئالیسم اروپا و بررسی زیباشناختی سوررئالیسم در نقاشی ایران و نقاشی سوررئالیسم اروپا مروری دارد. اما اشاره‌ای به هنر گرافیک و عکاسی نشده است.

با عنایت به پژوهش‌های ذکر شده، روشن است که فعالیت‌های پژوهشی خوبی در بررسی اندیشه سوررئالیسم و تاثیر آن در شرق و ایران در زمینه هنرهای تجسمی صورت پذیرفته است. اما این پژوهش می‌کوشد تا با نگاهی نو و تازه تر به طور روشن بر کیفیت و چگونگی تاثیرگذاری تفکر سوررئالیسم بر آثار هنرمندان گرافیک و عکاسی دو دهه 1330 تا 1350 شمسی بپردازد.

پرسش پژوهش

آثار گرافیک و عکاسی نوگرای هنرمندان ایرانی (دهه‌های 1330 تا 1350) هجری شمسی، چگونه و با چه کیفیتی از تحولات جنبش سوررئالیسم غرب تاثیر گرفته‌اند؟

فرضیه پژوهش

با توجه به آثار تصویری دو دهه 1330 تا 1350 شمسی برخی هنرمندان گرافیک و عکاسی ایرانی می‌توان گفت که این هنرمندان در تحول آثار خود و هویت دهی تصویری شان از

تحولات سوررئالیسم غرب تاثیر محتوایی هم می گرفته‌اند. اگر چه بیشتر این تاثیرپذیری از هنر سوررئالیسم، تاثیر معنایی بوده است.

نخستین نشانه های پیدایش سوررئالیسم در هنرهای تجسمی معاصر ایران

پیدایش سوررئالیسم

واژه سوررئالیسم نهضتی هنری را وصف می‌کند که در فاصله بین دو جنگ جهانی یعنی 1919-1939 میلادی در شهر پاریس بنیان نهاده شد. در دهه های 1920 و 1930 میلادی سوررئالیسم مکتبی سازمان یافته بود که ماهیتی انقلابی، شورشی و بدعت گذارانه داشته است. این نهضت در فواصل آن سالها چنان شهرت جهانی یافت که 14 کشور در نمایشگاه آن‌ها در سال 1938 میلادی نمایندگی فعال داشته اند» (کسیخان، 1374، 78).

بیانیه سوررئالیسم توسط شاعری به نام "آندره برتون" در سال 1924 منتشر شد و خود چندی بعد با دو بیانیه دیگر کارش را تکمیل کرد. سوررئالیسم نهضتی بوده که در حوالی سال 1920 میلادی آغاز گردیده و عده‌ای از شاعران و نقاشان به رهبری "آندره برتون" و "لویی آراگون"² که هر دو پزشک امراض روانی بوده اند، گرد هم آمده و از تحقیقات فروید «روان پزشکی اتریشی» الهام گرفته و بدین وسیله پایه مکتب جدید خود را بر فعالیت "ضمیر پنهان" بنا نهادند. اغلب این هنرمندان جزء فعالان دادائیسم بوده و همان روحیه عصیان دادا نیز بر آنها حاکم بوده است. با وجود این، سوررئالیست ها با خشونت بر ضد نهیلیسم «دادا» قیام کرده و با هر گونه حرکت پوچ و کورکورانه‌ای که در آن بوده مخالفت ورزیده بوده‌اند و در جستجوی چیزی بوده‌اند که از نظر خودشان راه رستگاری بوده است (سید حسینی، 1376، 758).

فراگیری این مکتب آن چنان بوده که به شکل نهضتی به تمام دنیا سفر کرده و حتی هنرمندان ایرانی هم از آن استقبال کرده و در این چارچوب دست به خلق آثاری در زمینه نقاشی، رمان و حتی سینما زده‌اند. به طور مثال آثار "صادق هدایت" "گلی ترقی" در ادبیات و "آیدین آغداشلو" و "منصور قنبریز" در نقاشی شاهد این مدعاست. که سرانجام در ادیبهشت سال 1330 شمسی و با صدور بیانیه‌ای دوازده ماده‌ای با عنوان «سلاخ بلبل» سوررئالیسم وارد ایران شد (توپچی، 1391، 3).

² Louis Aragon

سوررئالیسم در دهه‌های 1920 و 1930 میلادی در جهان در حال گسترش بوده که ورودش به ایران منجر به خلق اولین، معروفترین و بزرگترین رمان سوررئالیستی بنام «بوف کور» صادق هدایت گردیده که توسط آندره برتون از پیشکسوتان سوررئالیسم مورد تقدیر واقع شده است. خاستگاه تفکر سوررئالیسم در اروپا واکنشی علیه برخی پارامترهای مدرنیته، همچون عقل‌گرایی بوده است، اما در ایران که فرآیند مدرنیته نضج نیافته است، چگونه می‌شود که سبکهای نوشتاری علیه آن جایگاهی بیابند. در ایران برخی از آثار نظیر «بوف کور» و «سه قطره خون» از صادق هدایت، «خروس» از ابراهیم گلستان و «ماهی‌درباد» از حسین آتش پرور نمونه‌هایی از تاثیر سوررئالیسم را در ادبیات و رمان شاهد هستیم. اما هرچند که نویسندگان نوجو و جوان در ایران از این سبک نوشتاری بهره می‌گیرند اما با مقبولیت عام مواجه نبوده است. برخی همچون "آدونیس"³ شاعر سوری در اثری با عنوان «تصوف و سوررئالیسم» می‌نویسد: «همچنان که تصوف در چارچوب‌های عربی اسلامی افق‌هایی را برای معرفت و زندگی باز می‌گشاید که علم قادر به گشودن نیست، سوررئالیسم همین نقش را در فرهنگ غرب ایفا کرده است.» البته باید به خاستگاه‌های این دو جریان توجه کرد زیرا هر یک مربوط به پارادایمی از تفکر است. هرچند در برخی از آثار عرفا همچون شیخ اشراق با اثر «عقل سرخ» شاهد همانندی‌هایی با تخیل بکار رفته در سوررئالیسم هستیم، اما بنیان‌های شکل‌گیری این دو مکتب با یکدیگر متفاوت است و شاید بتوان گفت که تنها از تکنیک‌های مشابهی برای خلق اثری متفاوت استفاده کرده‌اند. مکاتب ادبی معاصر که همه گونه‌هایی از خودزنی علیه آرمانهای مدرنیته است، در خاستگاه اروپایی خود جایگاهی تعریف‌پذیر دارند، اما در ایران با اقبالی موجه حتی در میان خواص روبرو نبوده است. درک آثار سوررئالیستی محتاج آشنایی با آثار فروید، نیچه و هجمه سنگین جنگ‌های جهانی بر روح و روان انسان اروپایی است و خوانش این آثار با ادراکی منطقی و معقولانه به راحتی میسر نیست، بلکه باید تنها به دیدار و ملاقات این آثار در فضایی شگفت و وهم‌آلود شتافت (نصرآبادی، 1395، 1).

سوررئالیسم در گرافیک دهه‌های 1330 تا 1350 شمسی:

به طور کلی هنرهای ایران دهه‌های 1330 و 1350 شمسی، در برخورد با غرب دگرگون شده و در پی آن ادبیات و داستان نویسی ما با هوای تازه‌ای آشنا شده و سپس هنرهای تجسمی تحت تاثیر آن قرار گرفته‌اند. در دهه 1320 شمسی تعدادی از هنرمندان عازم غرب شده و انواع و اقسام ایسم‌ها را با خود به سوغات آورده‌اند. از دهه 1330 شمسی، به بعد نهال‌های سوغات از غرب در هنرهای تجسمی ایران شروع به رشد و نمو کرده‌اند.

اولین دوسالانه‌ی هنر مدرن در تهران در همین سال‌ها برگزار گردیده و نسل جدیدی از هنرمندان با گرایش‌های گوناگون از امپرسیونیسم تا کوبیسم و آبستره در ایران رشد

³ Adonis

کرده‌اند. در اوایل 1340 شمسی "محسن دلو" با ایجاد پوستر و اعلان‌هایی با قطع معمول امروزی، کار تازه‌ای را در این زمینه عرضه کرده است. تا آن زمان طراحی و چاپ اعلان برای سینما و فیلم در ایران چندان معمول نبوده است. دلو علاوه بر طراحی این پوسترها به طراحی و نقاشی‌های بزرگ بر سر در سینماها می‌پرداخت. ویژگی کار او در این بوده که نام فیلم را علاوه بر فارسی به زبان اصلی آن نیز نوشته و به کار خود جنبه‌ای فرنگی داده است. سپس "مسعود بهنام" به رقابت با دلو برخاسته و "علی اکبرصادقی" نیز در این زمینه به خصوص در طراحی و نقاشی پلاکات‌های سر در سینماها کار کرده است. "صادقی بربرانی" در همان سال‌های شروع گرافیک مدرن ایران از پیشقراولان است. در دهه 1340 شمسی، جهشی در استفاده از تکنیک و فن را شاهدیم. "مرتضی ممیز" برای اولین بار از عکس کنتراست شده در کار گرافیک، استفاده کرده است. عکس کنتراست شده عبارت از ترفندی تکنیکی در گراورسازی است. ممیز با دستگاه "کامپوگراف"⁴ که در آن زمان بسیار نادر بوده، این تکنیک را انجام داده است. بدین صورت که در این دستگاه امکان تصویربرداری مستقیم از عکس‌ها وجود داشته، تصویرهای به دست آمده پر کنتراست بوده و خاکستری‌ها در آنها از بین می‌رفته‌اند (حسینی، 1391: 62).

در دهه‌ی 1340 شمسی، برای نوشته‌ها یا به اصطلاح تایپوگرافی، چاره‌ای به جز استفاده از حروف بریده شده از تیتراهای روزنامه‌ها یا خطاطی نیست. بعد از این تحولات "فرشید مثقالی" "قباد شبوا" "بهزاد حاتم" "فریدون آو" "فرهاد باتمانقلیج" "ابراهیم حقیقی" "حمید نوروزی" و چند تن دیگر برای گسترش موضوع فعال شده‌اند. در واقع برخورد با غرب جرقه‌ای برای روشن شدن آتش اشتیاق به گرافیک تازه و مدرن بوده است. پوسترهای فرهنگی، آگهی‌های تبلیغاتی، آرم تیتراژ فیلم، طراحی نمایشگاه‌ها، کتاب‌سازی، تنظیم صفحات مجله‌ها، روی جلد‌ها، میدان‌هایی برای اکتشاف و تجسس شده‌اند. در این سال‌ها گرافیک مدرن توسعه پیدا کرده و جای ثابت و شناخته شده‌ای در فضای فرهنگی آن دوره یافته است. تلاش برای طراحی حروف در پوسترها نیز در این دوره توسط "محمدرضا عدنانی"، "مصطفی اوجی" و "ابراهیم حقیقی" صورت گرفته است. در همین دوره گرافیک تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی جمعی نیز گسترش پیدا کرده است. این‌ها همه از عناصر تصویرسازی و طراحی حروف استفاده می‌کرده‌اند، ولی "عباس کیارستمی" و "ابراهیم حقیقی" در پوسترهایشان از تکنیک فتومونتاز بهره برده‌اند (همان: 63). در این دوره طراحانی بوده‌اند که فقط کار گرافیک تبلیغاتی کرده‌اند، مثل "فرهاد مهربان" و "مجید بلوچ". عکاسی در این دوره به منزله‌ی یکی از عوامل گرافیک رشد کرده است. استودیوهای عکس برای این منظور پیدا شده و "مسعود معصومی" و "رضا نوربختیار" از اولین عکاسان تبلیغاتی محسوب می‌شوند. خوشنویسی نیز در ارتباط با گرافیک برای خود جایگاهی یافته است و

⁴ Campo graph

احصایی و مافی از نامداران خوش‌نویس برای تبلیغات و انتشارات و مطبوعات این دوران به حساب می‌آیند (همان: 64).

نگارنده در این پژوهش به این نکته اشاره دارد که بیشترین آثاری که در گرافیک دهه 1330 تا 1350 شمسی، بیشترین درخشش را داشته است که شاخه پوستر در گرافیک بوده که به طبع می‌توانیم در آثار هنرمندان آن دوره مشاهده کنیم. شاید به طور مستقیم با واژه سوررئالیسم در گرافیک دهه 1330 تا 13350 مواجه نباشیم، ولی وقتی آثار هنرمندان گرافیک آن دوره را مشاهده می‌کنیم به یقین پوسترهای سوررئالیسم متنوعی را می‌بینیم.

از جمله این هنرمندان می‌توان استاد "مرتضی ممیز" را نام برد. نمونه‌ای از یک پوستر سوررئالیسم از "مرتضی ممیز" در دهه 1350 شمسی، با عنوان پوستر نمایشگاه هنری «گنج و گستره» (تصویر 1)

سوررئالیسم در عکاسی دهه‌های 1330 تا 1350 شمسی:

سوررئالیسم با نفوذ در ادبیات و جریانها و رسانه های هنری به تدریج حوزه تأثیرگذاری خود را بیش از یکنام، مطرح ساخته و دراین میان عکاسی بی‌تردید شاهد تحولات بی سابقه‌ای شده است. چیزی که به مرور زمان و با گسترش علوم و فناوریهای نوین، رشد و توسعه چشمگیری را در طی چند دهه تجربه کرده است (بهارلو، 1390: 18).

در عکاسی سوررئال، نور و ظهور و نمایش اشیا با شدت بیشتری نسبت به نوع مرسوم آن صورت می‌گیرد و این می‌تواند موجب خلق فرم‌هایی شیخ‌گونه، آشکالی انتزاعی و سایه‌روشن‌هایی جالب‌توجه گردد. در این مرحله، قواعد فیزیکی و طبیعی نیز دگرگون می‌شوند؛ و برخی از عکاسان، آگاهانه به بازنمایی جزئیاتی دست می‌زنند تا این چالش را بهتر نمایان سازند (همان).

بدیهی است که نمود و آغاز عکاسی سوررئال در سوررئالیسم غرب می‌باشد و ما در دهه‌های 1330 تا 1350 شمسی، در ایران نمی‌توانیم بصورت انسجام یافته هنر عکاسی سوررئال را بخوبی مشاهده کنیم. عکاسی در این چند دهه بیشتر دغدغه های مطبوعاتی و تبلیغاتی داشته تا عکاسی هنری و سوررئال. شاید در دهه‌های بعد بتوان آثاری از هنرمندان در این زمینه را مشاهده کرد. از جمله عکاسانی که در دهه‌های 1330 تا 1350 شمسی، فعالیت قابل توجهی داشتند، نیکول فریدنی است. وقتی به آثار عکاسی "نیکول فریدنی"⁵ نگاه میکنیم، با فضاهای ناتوراالیستی مواجه می‌شویم که دارای احساسات سوررئالیستی اتفاقی است. شاید در ذهن هنرمند عکاس هم همین مسئله جاری بوده که اینگونه عکس‌های زیبا و عمیقی را با

⁵ آنچه از نیکول باقی مانده، گنجینه‌ای است که بخشی از آن در اختیار آژانس عکس «سفیر» است و بخشی دیگر نزد خانواده او نگهداری می‌شود. خانواده‌ی این هنرمند برنامه‌ای دارد تا مجموعه‌ی بی‌نظیری از عکس‌های سیاه و سفید این هنرمند از طبیعت ایران را در قالب یک مجموعه منتشر کند. این کتاب اثر کاملاً مستقلی از نیکول خواهد بود که تعریف خاصی از طبیعت ایران را به نمایش می‌گذارد (www.shooshan.ir).

دوربین خود خلق کرده است. در اکثر عکس‌های ناتورالیستی این هنرمند شاهد تمرکز و چرخش زیبای نور هستیم که شاید همین مسئله باعث ایجاد فضای های سوررئالیستی اتفاقی شده است.

هنرمند دیگری که با دوربین خود می‌توانست فضای سوررئال دور دست‌ها را خلق کند، "عباس کیارستمی" دقیقاً همانند نیکول، ولی سوررئال در عکس های کیارستمی انسان را به دور دست‌ها می‌برد. یا بهتر است بگوییم عمق سوررئال در عکس هایش به خوبی پیداست. مانند عکس‌هایی از جاده‌ها که به زیبایی یک رمان سوررئال است.

بازتاب گرایش هنرمندان سوررئالیست ایران در گرافیک دهه‌های 1330 تا 1350 شمسی:

شاید گرافیک سوررئال در ایران را به نسبت کمتر از نقاشی و تصویرسازی سوررئال دیده باشیم. در میان شاخه‌های گرافیک دهه‌های 1330 تا 1350 شمسی، آنچه که بیشتر تحت تاثیر مکتب سوررئالیسم قرار گرفته، شاخه پوستر است. گرافیک خود در شاخه‌های مختلف تعریف شده است، از جمله این شاخه‌ها می‌توان به هنر پوستر، تایپوگرافی، صفحه آرایی، چاپ، و حتی تصویرسازی اشاره کرد. شروع این فعالیت‌ها از دهه 1320 و 1330 شمسی، بوده که در دهه 1340 و 1350 شمسی، به اوج خود رسیده است. بخصوص در شاخه گرافیک که اسکلت آن با آثار مرتضی ممیز قوت بیشتری گرفته است.

هنرمندانی در آتلیه‌های گرافیک "ممیز" به مدیریت خود مرتضی ممیز و "تماشا" که مربوط به رادیو تلویزیون ایران بود با مدیریت قبادشیوا، فعالیت می‌کرده‌اند. تفاوت عمده کارهای درون آتلیه شیوا با آتلیه ممیز در این بوده که شیوا بیشتر کارهایش را تصویرسازی نموده. ولی ممیز بیشتر از فتومونتاز استفاده کرده است (حسینی، 1391: 64).

یکی از شاخصه‌های سبک سوررئالیسم، قرار دادن اجسام و یا عناصر وارونه در طرح است. اگر به آثار سوررئالیسم علی‌اکبر صادقی و اکثر هنرمندان سوررئالیسم نگاهی بیندازیم این گونه طرح‌ها را خواهیم دید. البته شایان ذکر است که وارونگی در طرح‌های هنرمندان سوررئالیسم ایران همان تاثیرپذیری از هنرمندان پیشکسوت سوررئالیسم غرب بوده است.

مانند: آثار "سالوادوردالی"⁶ که بیشترین تاثیر را داشته است و یا حتی "رنه ماگريت"⁷ "مکس ارنست"⁸ "هربرت مائر"⁹ و... البته می‌توان گفت که بهترین جایگاه سوررئالیسم در گرافیک هم در آثار این هنرمندان است.

1- وارونگی در تصویر

⁶ Salvador Dali

⁷ René Magritte

⁸ Max Ernst

⁹ Herbert Matter

در هر وارونگی، چیزی هست که اصالت را نفی می‌کند؛ چیزی ویران شده، به غربت افتاده، بی‌خوابی شده، بیهوده و بطلان پذیرفته. "صادقی" وارونگی را هم چون ناامیدی می‌بیند، اما تسلیم آن نمی‌شود و به تحسین آن برنمی‌خیزد (عمران، 1385: 51).

وارونگی یکی از ویژگی‌های یک اثر سوررئالیستی است که در آثار هنرمندان سوررئالیست به خوبی دیده می‌شود. در یک پوستر مفهومی "مرتضی ممیز" هنرمند یک تفکر سوررئالیسم را در سر داشته و از تفکر وارونگی سوررئالیسم‌ها تاثیر پذیرفته است (تصویر 1- الف). شاید این تصویر را بتوان یک سوررئالیسم مفهومی نامید و در مقابل تصویر (1- ب) هربرت بایر را مشاهده می‌کنیم که مکعب‌های مقوایی وارونه را در پوستر خود ترسیم کرده است. تصویر (1- ب) همانطور که می‌بینید ممیز در یک پوستر گرافیکی چاقوهای وارونه در بالای تصویر ترسیم کرده است و همین باعث شده فضای پوستر به طرف یک طرح سوررئالیستی کشیده شود. ممکن است صرفاً ممیز از پوستر بایر تاثیر پذیرفته باشد، شاید ایده ممیز در این پوستر از هنرمندی دیگر و یا حتی خود او بوده باشد، مهم تفکر سوررئالیستی او است که باعث ترسیم این ایده شده است.



تصویر 1- وارونگی در طرح (نگارندگان، 1397)

2- قرار گرفتن عنصر وارونه در پایین تصویر.

در پوستر ممیز (تصویر 1- الف) یکی از چاقوها در پایین چاقوهای وارونه در داخل گلدان قرار گرفته، از همان عنصر استفاده شده و همچنین در پوستر بایر (تصویر 1- ب) هم از همان مکعب‌های مقوایی در پایین طرح قرار گرفته است به اضافه یک نوشته که در پایین

طرح که در هردو تصویر نمایان است. همانطور که در مطلب فوق ذکر شد صرفاً نوع تفکر سوررئالیستی باعث ایجاد این پوسترها شده است. شاید ممیز پوستر خود را به تاثیر از کسی دیگر یا حتی به تاثیر از تفکر سوررئالیستی خود خلق کرده باشد (تصویر 2).



تصویر ب، قسمتی از پوستر
اثر هربرت بایر (قسمتی از تصویر ۳-ب)

تصویر الف، قسمتی از پوستر
اثر مرتضی ممیز (قسمتی از تصویر ۳-الف)

تصویر 2- انعکاس و وارونگی (نگارندگان، 1397)

3- ترکیب مثلثی و استفاده از رنگ سیاه و خاکستری در طرح

علاوه بر وارونگی در تصویر، یک ویژگی بارز که در آثار سوررئالیسم به طور فراوان انعکاس یافته به خوبی مشاهده می‌شود و آن استفاده از ترکیب‌های متقارن قرینه و غیر قرینه است. یک ترکیب بندی نیمه قرینه و ایجاد فضای منفی باعث تعادل و تناسب عناصر بالای طرح با پایین طرح شده است. ویژگی یک اثر سوررئال همین است بازی با فضا، (فضای مثبت و منفی) بازی با عناصر، رنگ و ترکیب آنها، و همینطور هر دگرگونی که باعث وهم، خیال و تفکر در یک اثر سوررئالیستی شود. یکی از مهمترین ویژگی‌های یک پوستر سوررئالیستی هم استفاده درست از همین فضاها می‌باشد (منفی و مثبت). که در هردو تصویر مشهود است (تصویر 3).



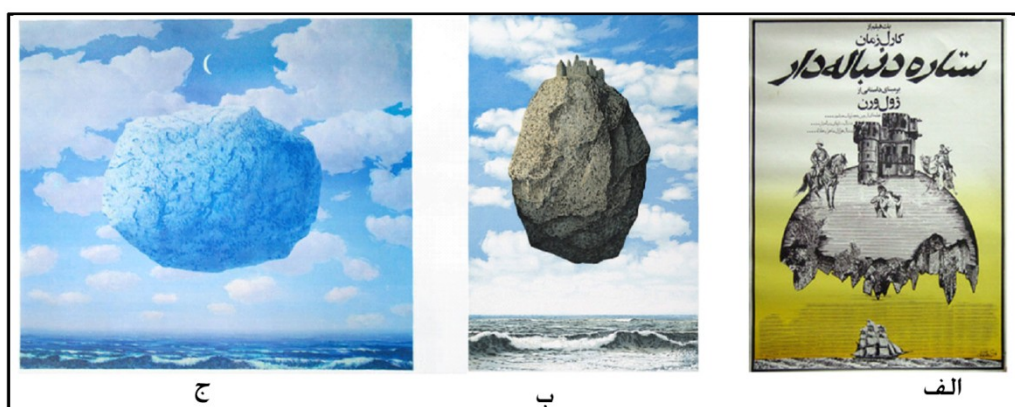
تصویر 3- الف - نمایشگاه اعلان شخصی، ممیز، 1355، (وارث، 1392: 3)

ب - شرکت کانتینر آمریکا، هربرت بایر، 1964

(<https://library.rit.edu/gda/designers/herbert-bayer>, 08.01.2018, 02:43)

4- معلق بودن جسم سخت و سنگین

بارزترین ویژگی بعضی از آثار سوررئالیستی که همان معلق بودن است در آثار سوررئالیست های مشهوری چون دالی، ماگريت و... مشهود است. در بعضی از آثار سوررئالیست مشاهده می شود که یک سنگ بزرگ و یا یک جسم سنگین حالت معلق در طرح دارد مانند: تصویر (4- الف) از "فرشید مثقالی" که نیم کره جدا شده بصورت معلق قرار گرفته است و فضای طرح را به سمت سوررئالیست کشیده است. و در مقابل وقتی تصویر (4- ب) از "رنه ماگريت" را مشاهده می کنیم که سنگ های بزرگ را در فضا به حالت معلق ترسیم کرده است.



تصویر 4- الف - پوستر، فرشید مثقالی، 1352)
(www.posterpage.ch/exhib/ex273ira/ex273ira.htm, 08.14.2018, 15:30)

ب- قلعه پیرنه ها، رنه ماگريت، 1959

5- قرارگیری آب، انسان یا اشیاء و ... در زیر عنصر معلق

وجود آب « دریا در تصویرهای موجود» یا یک موجود زنده یا طبیعت بی‌جان و... در زیر عنصر معلق باز از ایده‌های یک طراح سوررئال می‌باشد که در اکثر هنرمندان تصویرگر سوررئالیست دیده می‌شود. در طرح‌های ماگريت این نوع تصویرگری را بیشتر مشاهده می‌کنیم. گویی تمام افکار یک هنرمند سوررئالیستی تمام عیار در ذهن ماگريت جمع شده است. در تصویر "فرشید مثقالی" نیم کره جدا شده معلق در آسمان که در زیر آن یک کشتی بر روی آب، و به راستی که تاثیر پذیری شگرف با اندکی تغییر از یک اثر سوررئالیستی غربی را مشاهده می‌کنیم (تصویر 4).

6- قرارگیری یک بنا یا اشیاء و موجودات بر روی عنصر معلق

در بعضی از آثار سوررئال برای اینکه فضای طرح را بیشتر به سمت یک طرح سوررئالیستی بکشانند، بر روی عنصر معلق ممکن است یک بنا و یا موجود زنده ترسیم شده باشد. مانند تصویر (5- الف) اثر "فرشید مثقالی" که بر روی نیم کره معلق خود قلعه و موجودات زنده‌ای ترسیم کرده . و در مقابل تصویر (5- ب) اثر "رنه ماگريت" که بر روی سنگ وزن دار معلق قلعه‌ای ترسیم کرده است. پس مطمئناً بر روی قلعه موجود زنده‌ای هم وجود دارد و لزوماً تفکر یک هنرمند سوررئالیست همین است که مخاطب را وا دارد که با خیال بافی‌های خود نقش آفرینی کند و حدس پیشاپیش بزند (تصویر 5-1-13).



تصویر 5- قرارگیری بنا بر روی عنصر معلق (نگارندگان، 1397)

معلق بودن و وارونگی قرینه

در یکی از پوستره‌های قباد شیوا ویژگی‌های یک طرح سوررئالیستی دیده می‌شود. استفاده از فیگور انسان بدون تغییر و دگرگونی و داشتن یک چتر در دست انسان بصورت قرینه معلق وارونه که فضای خیالی بودن را به خوبی به مخاطب می‌رساند. استفاده از فضا‌سازهای سوررئالیستی جابجایی، قرینه سازی و هر تفکری که اثر را به سوررئالیسم

نزدیک کند. البته طراح همان طرح اصلی پوستر را بصورت قرینه معلق در سمت چپ بالای کادر ترسیم کرده که باعث ایجاد این ترکیب سوررئالیستی شده است (تصویر 6).



تصویر 6- پوستر گزارش، قباد شیوا، 1356 (www.ion.ir/News/49686.html, 08,15,2018,01:05)

4-5. بازتاب گرایش هنرمندان سوررئالیست ایران در عکاسی دهه‌های 1330 تا 1350 شمسی:

در مورد عکاسی دهه‌های 1330 تا 1350 می‌توان گفت که تاثیرپذیری آن‌ها از هنرمندان غرب در شاخه سوررئالیسم آنقدر به اندازه سایر هنرهای تجسمی چشمگیر نبوده است، اگرچه عکاسان خوب و برجسته‌ای مانند: "نیکول فریدنی" "عباس کیا رستمی" و... در این مسیر فعالیت داشتند.

عکاسی ایران در دهه‌های 1330 تا 1350 شمسی، بیشتر شامل عکس‌های مطبوعاتی دهه‌های 1330 و 1340 شمسی با موضوع‌هایی مانند: ملاقات‌های دولتی، تبلیغات، ورزش، پرتره‌های اشخاص، و بیشتر خانواده سلطنتی بوده. و اغلب هنرمندان به سوی نوعی تفکرات فرمالیستی گرایش داشته و به علت سانسور، حرف خود را در لفافه می‌پیچیده‌اند (مغربی، 1388: 11).

در دهه‌های 1340 و 1350 شمسی، همچنان سردرگمی هنرمندان درباره عکس هنری و غیر هنری، عکاسی به عنوان فن یا هنر رواج داشته است. مسیری که باعث می‌شود دانشجویان و روشنفکران به جای پرداختن به مفاهیم زنده و مستند اجتماعی، هنر ایران را به سوی برداشت‌های محدود شخصی سوق دهند، تجربه‌ای که همچنان مخاطبان اندک و محدودی را در بر می‌گیرد (همان).

شاید عکاسان این سه دهه 1330 تا 1350 شمسی، دغدغه‌های روزمره بیشتر داشته‌اند، ولی در میان این عکاسان هنرمندانی بودند که باز به موضوعات هنری توجه داشته و بعضی از آثار آنها حتی به طور اتفاقی هم که شده به سمت سوی یک سبک هنری کشیده می‌شده است. به عنوان مثال: در عکس‌های ناتورآلیستی "نیکول فریدنی" می‌توانیم فضاهایی از یک سوررئالیسم اتفاقی مشاهده کنیم که شاید حتی خود هنرمند هم قصد قبلی در نوع پدید آوردن سبکی در این اثر نداشته است. نکته جالب توجه آن است که عکاسان سوررئالی چون "من ری"¹⁰ "موهول ناج"¹¹ و ... به دنبال هدفی از خلق یک شیوه هنری بوده‌اند که در نتیجه آن را عکاسی سوررئال نامیده‌اند. آنها آن چیزی که هدفشان بوده را عکاسی می‌کرده‌اند. وقتی قرار بوده یک عکس سوررئال داشته باشند، پس فقط به سوررئال می‌اندیشیده‌اند، که این عکس در پایان یک عکس سوررئالیسم می‌شده است. ولی در عکاسان ایران در دهه‌های ذکر شده زیاد اینطور به نظر نمی‌رسیده و آنها بیشتر یک موضوع کلی را در نظر داشته و زیاد درگیر جزئیات نبوده‌اند، البته این مسئله شاید در دهه‌های بعد کمتر شده و عکاس، در صورتی که بخواهند موضوع سوررئال را خلق کنند، به دنبال آن می‌روند. به هر حال، بررسی بعضی از آثار هنرمندان عکاس این سه دهه نظیر "نیکول فریدنی" و "عباس کیارستمی" می‌توان شاهد عکس‌هایی بود که در آنها فضای سوررئالیستی اتفاقی رخ داده است.

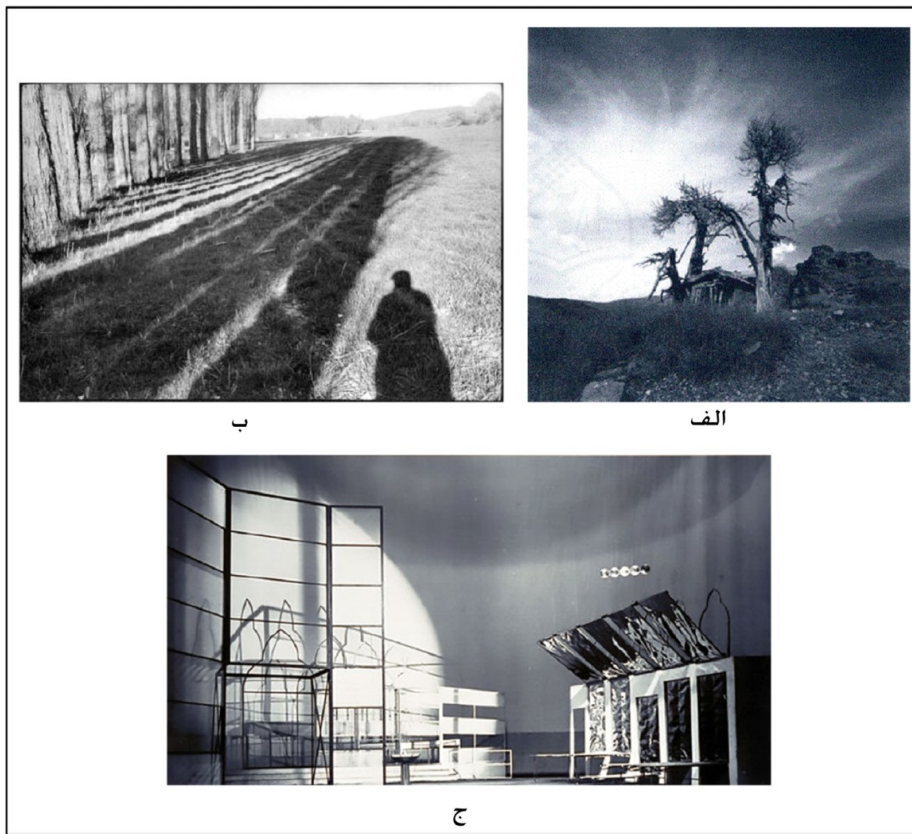
1- نقش انعکاس نور و ایجاد سایه‌های تند و تیز و شب‌گونه

از شاخصه‌های یک عکس سوررئال این است که می‌توان به جایگاه نور در عکس اشاره کرد. نور نقش مهمی را ایفا می‌کند، و باعث بوجود آمدن فضاهای خاص و سایه روشن‌هایی می‌شود که در خاص جلوه دادن شیوه و سبک موضوع کمک بسیاری می‌کند. طوری که نور در عکاسی سوررئال به بیان سوررئالیسم بودن عکس «بخصوص در عکاسی آنالوگ» ارتباط بصری زیادی دارد. نقش اصلی ایجاد یک فضای سوررئال در عکس، انعکاس نور است. متمرکز بودن بیشتر نور در یک سمت عکس و تاریکی سمت دیگر عکس و ایجاد سایه‌های خشن در عکس باعث بیشتر شدن فضای سوررئالیستی یک عکس می‌شود. نور و سایه باعث ایجاد یک فضای دلهره آور، شب‌گونه می‌شود که یکی از ویژگی‌های عکس سوررئالیستی است. (تصویر 7) «متمرکز شدن نور در یک قسمت تصویر و ایجاد سایه‌های تند و تیز». در "نیکول فریدنی" عکس‌هایی از "کارتیه برسون"¹² و "موهول ناج" قابل مشاهده است (تصویر 7).

¹⁰ Man Ray

¹¹ Moholy-Nagy

¹² Cartier-Bresson



تصویر 7- ایجاد سایه های تند و تیز توسط نور الف- طبیعت، نیکول فریدنی، (نعیمی، 1386: 2)

ب- طبیعت، هانری کارتیه برسون، (https://tandismag.com/50705,08,15,2018,21:54)

ج- مجموعه صحنه، داستان های هفمن، لاسلو موهولی ناج، 1929، نیویورک

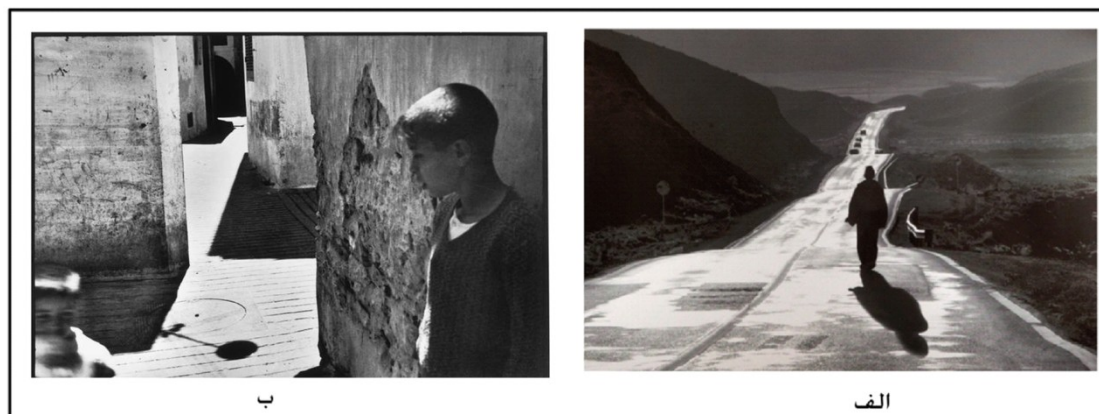
(www.theartstory.org/artist-moholy-nagy-laszlo-artworks.htm,08,15,2018,21:50))

2- ایجاد عمق و دور بودن توسط نور و انسان در فضای عکس

از ویژگی‌هایی که یک عکس سوررئالیست می‌تواند داشته باشد، عمق و دورنمایی آن است. بخصوص عمقی که باعث وهم و خیال شود که این نکته را بیشتر می‌توانیم در عکس‌های "عباس کیا رستمی" مشاهده کنیم. در عکس الف (تصویر 8) انسان با قرار گرفتن خیالی خود به فضای سوررئال عکس کمک کرده است. و بی انتها بودن جاده در عکس "کیا رستمی" و دور بودن آن یک ورای واقعیت را ایجاد کرده است. و همچنین عکس ب (تصویر 8) "کارتیه برسون" عمق ایجاد شده توسط نور و سایه‌های تند و تیز یک فضای خیالی و وهمی و شبیه‌گونه ایجاد کرده است (تصویر 8).

سوررئالیسم در عکس‌های "کیا رستمی" واقعی تر از سوررئالیسم های "فریدنی" است. در عکس‌های فریدنی ما بیشتر با سوررئالیسم اتفاقی روبرو هستیم، ولی در عکس‌های کیارستمی گویی عکاس تفکر سوررئالیستی هم داشته است، یعنی او می‌خواسته که تصویرش

نمودی از سوررئال را هم داشته باشد. اگر عکس الف (تصویر 8) به دقت مشاهده شود (الف) دقت با توجه به تعاریف سوررئالیست به خوبی این تفکر نمایان است (تصویر 8).



تصویر 8- ایجاد عمق و دور بودن توسط نور و انسان، دنباله جاده، عباس کیا رستمی، 1357

([www. myartguides.com/exhibitions/the-everlasting-roots,08,07,2018,02:52](http://www.myartguides.com/exhibitions/the-everlasting-roots,08,07,2018,02:52))

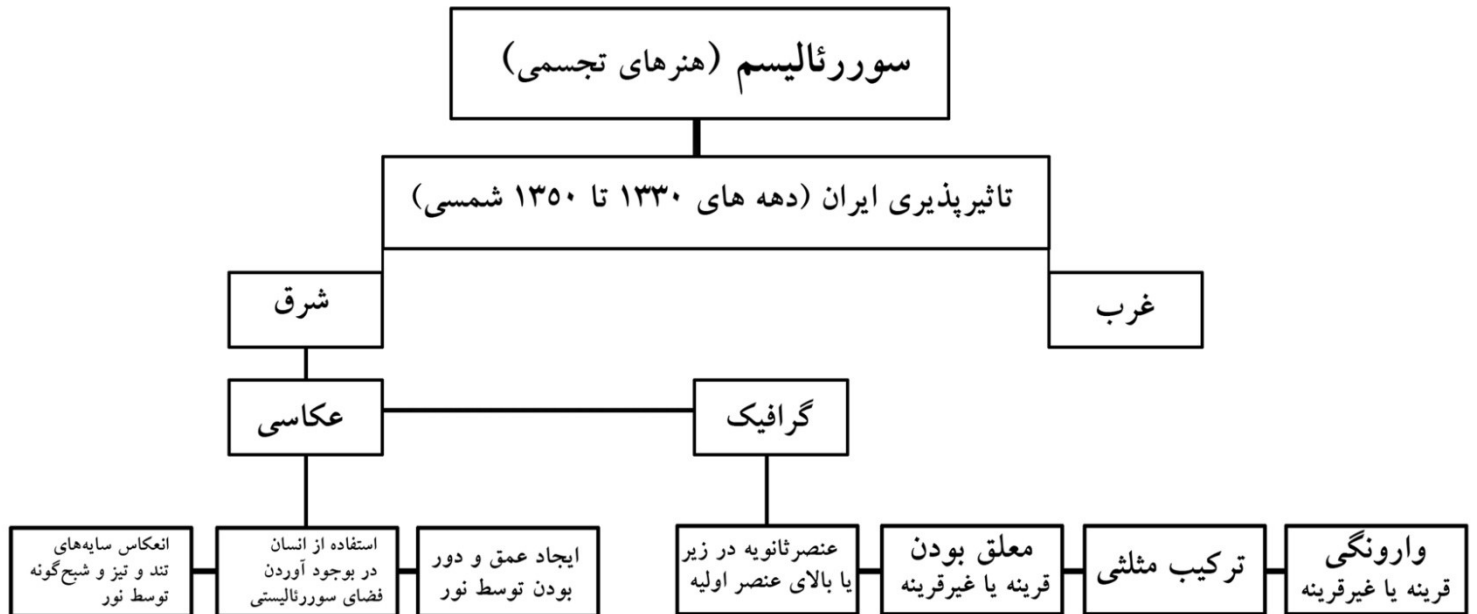
آندالوسیا سویا¹³، هنری کارتیبه برسون، 1933 ، اسپانیا

(www.designspiration.net/save/13233433859868/,09,05,2018,04:14)

تحلیل یافته‌ها

با توجه به روندی که در این پژوهش از تاریخچه، پیشینه، تحولات، پیدایش و تعاریف هنر "سوررئالیسم" صورت گرفت، از هنرمندان گرافیک و عکاسی با معرفی چند آثار از آنها در راستای این پژوهش نام برده شد و در نهایت به بررسی آثار آنها در تاثیر پذیری از سوررئالیسم غرب پرداختیم. و لزوما هنرمندان چگونه به یک اثر سوررئالیستی دست پیدا می‌کردند و با این وجود هنرمندان سوررئالیست در اثر، به جز تفکرات سوررئالیستی به ایده‌های شخصی خود نیز می‌پرداختند. در تحلیل و بررسی آثار این هنرمندان با ترسیم یک جدول از برگزیده‌های این تاثیر پذیری نام برده و در مورد هریک توضیح مختصری داده شده است.

¹³ Andalusia. Seville.



این مقاله کوشید تا کیفیت تاثیر سوررئالیسم غرب را بر سوررئالیسم ایران در دهه‌های 1330 تا 1335 شمسی، را مورد بررسی قرار دهد. سوررئالیسم (فراواقع‌گرایی) از گذشته‌های دور در گفتار و نوشتار در هنر و حتی زندگی روزمره انسان‌ها به طور پنهان و آشکار نمایان بوده است. اما سبک هنری سوررئالیسم به شکل امروزی که در قرن بیست و یکم متولد شده است. فعالیت خود را در ادبیات آغاز می‌کند و بعد به هنرهای تجسمی ورود می‌یابد، فعالیت چشمگیری بخصوص در غرب «کشورهایی مانند فرانسه» داشته است. که از همان جا به مناطق دیگر نفوذ می‌کند. در شرق نیز تاثیرات بسزایی می‌گذارد. یکی از این کشورها ایران بوده است. که با ورودش در ادبیات و هنرهای تجسمی جایگاه ویژه‌ای در هنر مدرن برای خود می‌سازد. آنچه امروزه از سبک هنری سوررئالیسم (فراواقع‌گرایی) بصورت یک سبک هنری مدرن و شاخص در دهه‌های معاصر می‌شناسیم همان مکتبی است که به نام سوررئالیسم نام گذاری شده است.

پرسش کلیدی این مقاله چنین است که "هنرمندان ایران چگونه از هنرمندان سوررئال غرب در آثار خود تاثیر پذیرفته‌اند" برای پاسخ این پرسش باید گفت: سوررئالیسم در ایران ورود خود را در آثار ادبی "صادق هدایت" اعلام می‌کند و بعد وارد دنیای هنرهای تجسمی می‌شود. اگر چه بازتاب هنرمندان سوررئالیسم غرب در آثار هنرمندان ایرانی در شاخه‌های مختلف هنری مشهود است، اما ما با یک سوررئالیسم کاملاً ایرانی مواجه هستیم. وقتی به دقت به آثار "علی اکبر صادقی" نگاه می‌اندازیم با تمام تاثیر پذیری هایش از سوررئالیسم غرب، بایک سوررئالیسم ناب ایرانی روبرو می‌شویم. خانم ایران درودی که در هنر نقاشی سوررئالیسم فعالیت داشتند "چون موضوع مقاله در مورد عکاسی و گرافیک بوده درمورد ایشان در متن مقاله صحبتی به میان نیامده است" با این که سال‌ها در فرانسه زندگی کرده و در حضور نقاشان بزرگی چون "سالوادوردالی" بوده و تاثیرات خاصی از این هنرمند گرفته، اما هیچ وقت فضای ایرانی بودن خود را در آثارش از دست نداده و می‌توان آن سوررئال متفکر و رمز آلود ایرانی را در آثارش به خوبی مشاهده کرد.

تاثیرپذیری هنرمندان ایران عصر معاصر چه در گرافیک و چه در عکاسی یا بهتر است بگوییم کل آثار تصویری از سوررئالیسم غرب چه از لحاظ محتوا و مفهوم و چه از لحاظ ظاهری و تکنیک یک سوررئالیست کاملاً ایرانی را به نمایش می‌گذارند، و با یک فرهنگ و محتوای کاملاً ایرانی روبرو می‌شویم. «قلم‌هایی که بیانگر نقش‌های ایرانی هستند». اگر چه ممکن است تصاویر سوررئالیست ایرانی در این پژوهش صرفاً از همان تصاویر سوررئالیست غربی نمایش داده شده تاثیر پذیرفته باشد، مانند آثار "مرتضی ممیز" در گرافیک ولی تصاویر سوررئالیست ایرانی به خوبی نمایانگر این تاثیر پذیری هستند که هنرمندان کلیت این تاثیرپذیری را در آثار خود بازتاب داده اند. اگر قرار است عنصری در آثار هنرمندان سوررئالیست «غرب» معلق یا وارونه باشد و یا خیالی و یا وهمی باشد و یا حتی دگرگون

شده و بزرگتر از حد معمول باشد و یا حتی سایه‌های تندو تیز و شبیح‌گونه داشته باشد، در آثار ایرانی هم همه این ویژگی‌ها ترسیم می‌شود، منتها در راستای یک تصویر و ترسیم ایرانی.

منابع و مأخذ:

- 1- بهارلو، علیرضا. (1390). عکس: دنیاهای ناآشنای پل-پل بیدل و عکاسی سوررئال. پایگاه مجلات تخصصی نور.
- 2- توپچی، صبرینه. (1390). "بازخوانی رویکرد گرایش سوررئالیسم در نقاشی نوگرای ایران" هنر.
- 3- حسینی، شعیب. (1391). گرافیک ایران قبل از انقلاب 1355 تا 1357. پایگاه مجلات تخصصی نور.
- 4- سیدحسینی، رضا. 1391. مکتب‌های ادبی. تهران: نگاه.
- 5- عمران، روباه. (1385). زندگی و آثار علی اکبر صادقی. پایگاه مجلات تخصصی نور.
- 6- کسرخان، حمیدرضا. (1374). "خاستگاه سوررئالیسم" هنر.
- 7- مغربی، زیبا. (1388). ثبت واقعیت: عکاسان برتر قرن. پایگاه مجلات تخصصی نور.
- 8- نصرآبادی، مجید. "جایگاه سوررئالیسم در تفکر معاصر" خیام نامه.
- 9- <https://library.rit.edu/gda/designers/herbert-bayer>, 08.01.2018, 02:43
- 10- <https://tandismag.com/50705>, 08.15.2018, 21:54
- 11- www.myartguides.com/exhibitions/the-everlasting-roots, 08.07.2018, 02:52
- 12- www.designspiration.net/save/13233433859868/, 09.05.2018, 04:14
- 13- www.ion.ir/News/49686.html, 08.15.2018, 01:05
- 14- www.posterpage.ch/exhib/ex273ira/ex273ira.htm, 08.14.2018, 15:30
- 15- www.renemagritte.org/rene-magritte-painting-gallery2.jsp, 08.26.2018, 02:16
- 16- www.shooshan.ir
- 17- www.theartstory.org/artist-moholy-nagy-laszlo-artworks.htm, 08.15.2018, 21:50